



تاثیر هزینه‌های رفاهی دولت بر ثبات سیاسی-اجتماعی (از مسیر توسعه

انسانی): ایران و کشورهای منتخب

یداله دادگر^۱حمید اسکندری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱

چکیده

ثبات سیاسی-اجتماعی به عنوان یکی از مولفه‌های مهم حکمرانی خوب است که از یک سو همراه با آموزش و سلامت بالا در جامعه (نماد توسعه انسانی) بوده و از سوی دیگر زمینه ساز محیطی آرام برای پیشرفت اقتصادی است. زیرا این متغیر شرایطی را در بر می‌گیرد که در آن قانون حاکم بوده امنیت، آزادی و آرامش کافی وجود دارد. از آن‌جا که ثبات سیاسی-اجتماعی را نمی‌توان از هم جدا کرد، این دو در این مقاله به جای هم بکار برده می‌شوند. کشورهایی که از ثبات سیاسی بالاتری برخوردارند در پیشرفت اقتصادی نیز موفق‌ترند. دولت‌ها می‌توانند ترکیب مخارج خود را برای بهبود توسعه انسانی هدف‌گذاری کنند. این اثر به دنبال بررسی عوامل ثبات سیاسی از منظر توسعه انسانی برای ۳۴ کشور توسعه‌یافته و ۱۷ کشور عضو منا (شامل ایران) برای دوره ۱۹۹۸ تا ۲۰۲۰ است. از این رو با استفاده از یک سیستم معادلات همزمان تاثیر هزینه‌های دولت در بخش آموزش و بهداشت و تاثیر سایر عوامل موثر بر ثبات سیاسی را برای کشورهای مورد نظر ارزیابی می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که هزینه‌های دولت در آموزش و بهداشت (از کانال توسعه انسانی) بر ثبات سیاسی کشورها اثر مستقیم دارد. همچنین متغیرهای تورم، بیکاری و نابرابری درآمدی، رابطه‌ای معکوس و معنی‌دار با ثبات سیاسی دارند (در عین حال یک یافته ضمنی این نوشته اثبات ادعای تئوری جدید اقتصاد بخش عمومی در برتری نقش آموزش و سلامت در ایجاد ثبات سیاسی نسبت به نقش قدرت نظامی در تئوری سنتی است).

واژگان کلیدی: هزینه‌های دولت، توسعه انسانی، ثبات سیاسی-اجتماعی، نابرابری درآمدی، دموکراسی.

Keywords: Government Expenditure, Human Development, Politico-Social Stability, Income Inequality, Democracy.

JEL Classification: H53, I83, O15.

۱- مقدمه

بدنبال تحول نقش دولت در اقتصاد، در دهه ۱۹۹۰ بحث دولت خوب مطرح شد. داگلاس نورث (۱۹۹۱) دولت خوب را حمایت‌کننده پیشرفت و پایداری اقتصادی می‌داند. بانک جهانی نقش دولت در جهان در حال تحول را به مفهوم حکمرانی خوب مربوط کرده که عاملی برای پایداری و ثبات به شمار می‌رود. به عبارت دیگر یک اقدام دولت خوب ایجاد ثبات سیاسی و پایداری اقتصادی است. کمترین هزینه بی‌ثباتی، فرار سرمایه مالی و انسانی و عدم جذب سرمایه‌های خارجی است. ثبات سیاسی منجر به بهبود عملکرد اقتصادی و بهبود رفاه گردیده و آن‌ها منجر به کاهش تنش‌های اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر می‌شوند (لارسون^۱، ۲۰۱۹، جراس^۲، ۲۰۲۰ و مک نی^۳، ۲۰۲۱). این موضوع در عین حال روشنگر یک تفاوت اساسی بین تئوری‌های جدید و قدیم دولت است. در تئوری سنتی دولت، این قدرت نظامی است که ثبات آور است ولی توسعه انسانی و رضایت اکثریت، عامل کلیدی ثبات در تئوری‌های جدید است (نورت هاوس^۴، ۲۰۲۱). از زمانی که انسان محور توسعه قرار گرفت، افزایش سرمایه انسانی مورد توجه واقع شد و دولت‌ها بر آن شدند تا با حمایت از سرمایه انسانی بهره‌وری را افزایش دهند. از این رو هزینه‌های دولت در بخش‌های آموزش و بهداشت مورد توجه بیشتری قرار گرفت. تا دهه ۱۹۵۰ بیشتر بر انباشت سرمایه فیزیکی تاکید می‌شد و از دهه ۱۹۷۰ این آگاهی ایجاد شد که برای پیشرفت تنها توجه به سرمایه فیزیکی کافی نیست و شکل‌گیری سرمایه انسانی هم ضرورت دارد (کمیجانی و سلاطین، ۲۰۱۰، دادگر و نظری، ۲۰۱۱). در این راستا سرمایه‌گذاری بر روی نیروی انسانی مورد توجه ویژه اقتصاددانان قرار گرفت. ابعاد نظری این موضوع را می‌توان به افزایش ذخیره دانش و سلامت مربوط دانست که افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی را در پی دارد (خانزادی و همکاران، ۲۰۰۷). بر اساس یافته‌های لوکاس (۱۹۹۸ و ۲۰۱۵)، توسعه انسانی موتور پیشرفت اقتصادی بوده که با خلاقیت همراه است. عوامل متعددی بر توسعه انسانی تاثیرگذار هستند که یکی ترکیب مخارج دولت و دیگری کیفیت نهادی است. به زبان دیگر صرف مخارج بیشتر دولت در بخش آموزش و بهداشت باعث بهبود توسعه انسانی نشده دستیابی به آن مستلزم فراهم آوردن محیط نهادی و ثبات سیاسی می‌باشد. در مقابل بی‌ثباتی بر پیشرفت اقتصادی تاثیر منفی دارد. لیپست^۵ (۱۹۵۹) ادعا

1. Larson (2019)

2. Jerath (2020)

3. Mcnay (2021)

4. Northouse (2021)

5. Lipset (1959)

می‌کند که سطح بالای توسعه انسانی باعث افزایش ثبات سیاسی می‌شود که رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد. رشد پایدار اقتصادی نیازمند یک محیط سیاسی با ثبات است و نبود امنیت اقتصادی، نابرابری، تورم و ... زمینه ایجاد بی‌ثباتی سیاسی را فراهم می‌کند. بی‌ثباتی سیاسی موجب کاهش ارزش مورد انتظار بازده سرمایه و تضعیف انگیزه پس‌انداز و سرمایه‌گذاری می‌گردد. این پژوهش به دنبال بررسی رابطه بین ثبات سیاسی و هزینه‌های دولت در توسعه انسانی در کشورهای منتخب و ایران است. یک دلیل این انتخاب، الگوگیری کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته از وضعیت قابل قبول کشورهای توسعه‌یافته در زمینه ثبات سیاسی است. دلیل دیگر بررسی جایگاه ایران در منطقه منا است تا سیاست‌گذاران بتوانند از تجربه کشورهای موفق و رقیب ایران برای پیشرفت اقتصادی کشور استفاده کنند. بیشتر مطالعات به بررسی تأثیر ثبات سیاسی بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند. این پژوهش به بررسی تأثیر هزینه‌های دولت در توسعه‌ی انسانی در ایجاد و بهبود ثبات سیاسی می‌پردازد. از هزینه‌های رفاهی دولت در بخش آموزش و بهداشت به عنوان نماینده‌ای از سرمایه‌گذاری در بهبود توسعه‌ی انسانی و ایجاد ثبات سیاسی استفاده شده است. در ادامه به مبانی نظری، مطالعات انجام شده، متدولوژی پژوهش و تحلیل نتایج اشاره می‌شود.

۲- ادبیات و مبانی نظری

ثبات سیاسی (محور بررسی این مقاله) دست کم از دهه ۱۹۹۰ به بعد به صورت وسیعی با مطالعات حکمرانی و اقتصاد سیاسی پیوند یافته است. این خود نشان از ارتباط و اثرگذاری متقابل اقتصاد و سایر علوم اجتماعی است که در رویکرد سنتی (ارتدکس و نئوکلاسیک) جدا تصور می‌شد. این در حالی است که از منظر پدران علم اقتصاد چون آدام اسمیت، اقتصاد سیاسی ضمن در برداشتن علم اقتصاد، شاخه‌ای از دانش رهبری سیاسی است. برای جان استوارت میل اقتصاد سیاسی علمی است که به یک ملت، روش ثروتمند شدن را می‌آموزد. اما از نظر اقتصاددانان رویکرد ارتدکس سنتی (از مکتب شیکاگو و مانند آن‌ها)، اقتصاد سیاسی تنها بر فردگرایی روش‌شناختی استوار است که تحلیل اقتصادی را مستقل از سایر علوم اجتماعی و نهادی پیش می‌برد (اریکسون^۱، ۲۰۱۱، الینگ هم^۲، ۲۰۲۱). رویکردهای نهادگرایی، کینزی و اقتصاد رفتاری، اقتصاد سیاسی را بیشتر برداشتی اقتصادی از رفتار انسان می‌دانند. دست کم در پایان قرن بیستم، اقتصاد سیاسی از نظر رویکرد سنتی نئوکلاسیک فرد محور و فرض محور به حساب می‌آمد ولی اقتصاد سیاسی برای

1. Erikson (2011)

2. Eling hem (2021)

رویکردهای رقیب آن به معنی بکارگیری یک نظریه اقتصادی خاص برای رفتار اقتصادی- اجتماعی بود. از نظر دانشمندان علوم سیاسی، اقتصاد سیاسی به تعامل امور سیاسی و اقتصادی مربوط است. اقتصاد سیاسی، در ادامه قرن ۲۱ تقریباً به عنوان قدرتمندترین دستگاه تجزیه و تحلیل اقتصادی و عناصر کلیدی سیاسی- اجتماعی و حقوقی مرتبط با آن درآمده که هم با موضوع ثبات و یا بی‌ثباتی اقتصادی همراه است و هم تعامل قدرت و ثروت بین مردمان و حاکمان را پوشش می‌دهد. اهمیت ثبات سیاسی در این مقاله در پیوند عناصر اجتماعی، سیاسی و حقوقی با اقتصاد نشان داده می‌شود. زیرا نخست اقتصاد بارزترین عنصر نقش‌ساز در زندگی است. دوم سیاست می‌تواند به صورت مثبت وسیله‌ای برای حفظ نظم اجتماعی و تحقق آزادی و دموکراسی بوده و بطور منفی ابزاری برای سیطره گروهی کوچک بر کل جامعه باشد. پیوند نهادهای سیاسی (مانند دموکراسی، آزادی قلم و بیان، آزادی اعتصاب و اعتراض، حق تشکیل احزاب و ...) با سیاست‌های اقتصادی و تأثیر آن نهادها بر این سیاست‌ها از دیگر ارتباطات معنی‌دار سیاست و اقتصاد می‌باشد. فرهنگ و فضای سیاسی تأثیر قابل توجهی بر خط مشی‌های اقتصادی دولت‌ها خواهد داشت (هلکو^۱، ۱۹۸۱، دادگر، ۲۰۱۹، سنگوپتا^۲، ۲۰۰۴، پرزیلا و لمبرت^۳، ۲۰۰۸). به دلیل همین ارتباط است که عدم رعایت قواعد بازی بین‌المللی از سوی حاکمان یک کشور بر اقتصاد آن کشور با اثر منفی همراه است. رعایت قواعد بین‌المللی از سوی یک دولت روی استقرار، سرمایه‌گذاری، تجارت، رفتار سازمان‌های بین‌المللی و کارکرد شرکت‌های چندملیتی موثر است. هسته اصلی نظریه اقتصاد سیاسی و حکمرانی از یک سو مبتنی بر نتایج سیاسی حاصل از تنش بین آنانی است که کنترل حکومت و قدرت را در اختیار دارند. از سوی دیگر استوار بر شهروندانی است که می‌خواهند قدرت بالقوه حکومت را محدود یا آن را پاسخ‌گو کنند. درآمد اقتصادی هم یک هسته اصلی این تنش است، زیرا درآمد منبع استراتژیک هم برای فعالیت حاکمان و هم مردمان است. از این رو اگر بازیگران اجتماعی از میان شهروندان توانایی کنترل کردن حاکمان برای دسترسی به این درآمد را داشته باشند، آن‌ها در آن صورت قدرت متقابل خواهند داشت. همچنین چون حاکمان برای تامین هزینه‌های عمومی به مالیات ستانی متکی هستند، وابستگی به مالیات ستانی سبب ایجاد حساسیت برای حاکمان دولتی نسبت به مالیات دهندگان و برعکس می‌شود. از این رو گفته می‌شود که اتکاء حکومت به مالیات شهروندان می‌تواند مانع استبداد شود. در نظریه

¹. Helco (1981)

². Sengupta (2004)

³. Priscilla & Lambert (2008)

حکمرانی چند محور مطرح است که ارتباط ویژه‌ای با ثبات و بی‌ثباتی دارند. یکی پاسخ‌گویی حکومت به شهروندان، دوم مسئولیت دولت نسبت به شهروندان است که دموکراسی و انتخابات از مهم‌ترین ساز و کارها در این رابطه هستند. مقامات باید در مورد شیوه‌های به کارگیری قدرت خود پاسخ‌گو باشند و در غیر پاسخ‌گو بودن بدون تحمیل هزینه کنار بروند. سوم توانایی دولت در پاسخ به نیازها و خواسته‌های شهروندان و ظرفیت ارائه خدمات عمومی است. از منظر ثبات سیاسی چند محور کلیدی مورد تاکید بیشتر قرار می‌گیرد. یکی ساختار مخارج دولت و عوامل اثرگذار بر آن است. در برخی کشورها مانند ایران درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی مانند نفت خام بخش بزرگی از بودجه عمومی را تشکیل می‌دهد. با سرازیر شدن این منابع در بودجه، احتمال تخصیص غیر بهینه به دلیل سیاست‌های عوام‌گرایانه و سیاسی زیاد است. به عبارتی دیگر سیاست‌مداران عوام‌گرا سیاست‌هایی را اتخاذ می‌کنند که شاید در نظر رای دهندگان در کوتاه‌مدت مفید باشد اما آن سیاست‌ها در بلندمدت برای پایداری و پیشرفت اقتصادی مضر هستند (دورنوش و ادواردز^۱، ۱۹۹۱). عوامل مختلفی در اثربخشی و تعیین ترکیب و میزان مخارج دولت از جمله هزینه‌های آموزش و بهداشت مطرح است که هم در ساختار و هم در کارکرد با ثبات و بی‌ثباتی سیاسی مرتبط هستند. یکی از اولین بررسی‌های نظری در مورد هزینه‌های دولت مربوط به آدلف واگنر^۲ (۱۹۱۷-۱۸۳۵) است. به نظر او با فرایند صنعتی شدن نظام اقتصادی، بروز برخی دشواری‌های بازار، گسترش شهرنشینی، شکل‌گیری قراردادهای و قوانین تجاری و مانند آن، حضور دولت بیشتر شده و هزینه‌های آن بالا می‌رود. بخش عمومی هزینه‌های زیربنایی مانند راه، سیستم حمل و نقل، سیستم بهداشتی، قوانین و مقررات، تعلیم و تربیت و هزینه‌های سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی را تأمین می‌کند (ماسگریو، ۲۰۱۷). همچنین در مراحل پیشرفت اقتصادی، پدیده شکست بازار وجود دارد و بنابراین افزایش هزینه دولت برای مقابله با شکست بازار نیز مطرح است. یکی از عوامل اثرگذار بر هزینه‌های دولت درجه باز بودن اقتصاد است. با باز بودن روابط تجاری و مالی یک کشور امکان کسب درآمدهای مالیاتی (تعرفه)، از صادرکنندگان و واردکنندگان کالا و اوراق مالی، کار و خدمات افزایش یافته، دولت می‌تواند منابع یاد شده را برای بهبود آموزش، بهداشت، تأمین اجتماعی و ... بکار بندد. به عبارت دیگر اهمیت هزینه‌های دولت بطور کلی در همه ابعاد و بطور خاص در موضوع آموزش و بهداشت جایگاه کلیدی دارند.

^۱ Dornbusch & Edwards (1991)

^۲ Adolph Wagner (1835-1917)

اهمیت هزینه‌های آموزش و سلامت پس از دهه ۱۹۹۰ و بدنبال طرح حکمرانی خوب به میزان وسیعی بیشتر شد. نقش سرمایه و توسعه انسانی در این ارتباط و محصول آن در حفظ ثبات، یک یافته کلیدی است که محور بحث این مقاله هم هست. جالب توجه است که رودریک و وکزیارگ^۱ (۲۰۰۵) نشان می‌دهند که رابطه مستقیمی بین درجه باز بودن اقتصاد و مخارج آموزشی و بهداشتی دولت وجود دارد. همچنین آلسینا و رودریک^۲ (۱۹۹۹) رابطه مثبت بین هزینه‌های نظم و امنیت و تکه تکه شدن قومی را تأیید می‌کنند که این خود پیوند معناداری با ثبات سیاسی دارد. بر اساس مطالعه ملتزر و ریچارد^۳ (۱۹۸۱) کشورهای با درآمد سرانه کم و نابرابری بالا نیاز به مخارج عمومی بیشتری برای باز توزیع درآمد دارند. این عنصر نیز بطور غیر مستقیم با ثبات سیاسی ارتباط می‌یابد. با توجه به این که محور کلیدی این مطالعه سرمایه و توسعه انسانی است، مناسب است در این جا به ارتباط سرمایه انسانی و توسعه انسانی اشاره شود. بطور کلی توسعه انسانی مفهومی وسیع تر از سرمایه انسانی است. زیرا سرمایه انسانی، انسان‌های متخصص و سالمی را در بر می‌گیرد که آموزش و سلامت باعث افزایش توانایی آن‌ها شده است و توسعه انسانی توانمند شدن انسان‌ها با کمک سواد، سلامت و درآمد است. در عین حال سرمایه انسانی بیشتر یک ابزار قدرتمند است و توسعه انسانی یک هدف کلیدی برای پیشرفت است. پس ارتباط این دو بسیار اساسی است ولی تفاوت‌های ظریفی هم دارند. سرمایه‌ی انسانی به صورت مهارت، دانش و تخصص در افراد تجسم یافته و سطح تولیدات، کیفیت خدمات و میزان درآمد را افزایش داده و تصمیمات آن‌ها را در زمینه‌های مختلف متأثر می‌سازد. به نظر سایمون کوزنتس سرمایه‌گذاری در آموزش منبع مهمی برای تشکیل سرمایه انسانی بوده که خود عامل پیشرفت اقتصادی است (صادقی و عمادزاده، ۲۰۰۴، سرزعیم، ۲۰۱۵). سرمایه انسانی به شکل رسمی از دهه ۱۹۶۰ توسط شولتز^۴ (۱۹۶۱) و بکر^۵ (۱۹۶۴) معرفی شد. به نظر شولتز (که به پدر سرمایه انسانی هم معروف است)، یکی از عوامل تعیین‌کننده پیشرفت اقتصادی، سرمایه انسانی است که پایه اصلی ثروت ملت‌ها را تشکیل می‌دهد. مطالعات منکیو، رومر و ویل^۶ (۱۹۹۲) نشان داده است که رشد بلندمدت اقتصادی با سطح درآمد اولیه کشورها همبستگی زیادی ندارد بلکه عواملی مثل سرمایه انسانی

1. Rodrik & Wacziarg (2005)

2. Alesina & Rodrick (1999)

3. Meltzer & Richard (1981)

4. Schultz (1961)

5. Becker (1964)

6. Mankiw, Romer & Weil (1992)

است که باعث افزایش آن می‌گردد. به نظر لوکاس سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی باعث بهره‌برداری بهتر سرمایه فیزیکی هم می‌گردد. یک علت ایجاد سرمایه انسانی در پرتو مدت زمانی است که افراد صرف تحصیل علم و دانش می‌نمایند. پس می‌توان آموزش را موتور رشد سرمایه انسانی و پیشرفت اقتصادی را تابعی از موجودی سرمایه انسانی دانست. توسعه انسانی مبتنی بر این ایده است که لازمه پیشرفت جوامع علاوه بر رسیدن به درآمد سرانه بالاتر، پرورش و بسط استعدادهای انسانی است. همچنین امید به زندگی به عنوان نماد سلامت و بهداشت، به عنوان پایه‌ی دیگر توسعه انسانی در نظر گرفته شده است. شاخص توسعه انسانی با محاسبه میانگین وزنی ساده از سه شاخص امید به زندگی، نرخ باسوادی و قدرت خرید حقیقی افراد بدست می‌آید (السینا و وکزیارک^۱، ۱۹۹۸، شلتون^۲، ۲۰۰۸، یوان^۳، ۲۰۱۶). توجه به توسعه انسانی نیازمند تخصیص مخارج دولت به فعالیت‌های مربوط به سرمایه انسانی است. این تصمیم نیازمند کاهش سهم هزینه‌های آن دسته از فعالیت‌های دولتی نامولد، مانند فعالیت‌های نظامی است. زیرا با افزایش بودجه نظامی حتما سهم بودجه سرمایه انسانی کمتر خواهد شد. منافع آزاد شده از کاهش هزینه نظامی می‌تواند صرف آموزش و پرورش، تغذیه، بهداشت و ... شود و به این ترتیب راه ثبات و پیشرفت را هموار می‌کند. دولت می‌تواند از یک سو زیرساخت‌های آموزش و پرورش و بهداشت را آماده کند و از سوی دیگر از راه باز توزیع، سهم گروه‌های کم درآمد را افزایش دهد که هر دو در راستای بهبود توسعه انسانی است (فرح‌بخش و نیلی، ۱۹۹۸). آموزش، تخصص و مهارت و به تبع آن، ظرفیت‌های مولد فرد را افزایش داده درآمد او را بالا می‌برد. از این مسئله به عنوان آثار خارجی آموزش یاد می‌شود. مخارج بهداشتی و آموزشی دولت، می‌تواند کیفیت منابع انسانی را ارتقاء داده و باعث افزایش امید به زندگی و طول عمر فرد شود. محور بسیار اثربخش در این رابطه ثبات سیاسی است که از شاخص‌های حکمرانی خوب است. حکمرانی خوب بطور کلی به معنای ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخ‌گو است. آشکار است که فراهم شدن عناصر یاد شده نقش کلیدی در ثبات سیاسی دارند. حکمرانی خوب دارای زیر شاخص‌های حق اظهار نظر و پاسخ‌گویی، کارایی و اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون، کنترل فساد و ثبات سیاسی است. ثبات سیاسی مفهومی چند وجهی بوده و دست کم بر دو دسته عوامل استوار است. یکی این که بخش عمومی و نظام سیاسی وظایف نظارتی و

1. Alesina & Wacziarg (1998)

2. Shelton (2008)

3. UN (2016)

حفاظت از حقوق و منافع شهروندان خود را به خوبی انجام دهد. دوم این که به گونه‌ای مدیریت کند که میان حوزه‌های اصلی نظام اجتماعی ناهماهنگی و عدم تعادل شدید پدید نیاید (پناهی، ۱۳۸۳). یک نظام باثبات باید توان تطبیق با شرایط مختلف را داشته و چنان قوی باشد که از بحران‌های مختلف عبور کند. ثبات سیاسی هم در سطح روابط بین‌المللی مطرح است و هم در سطح ملی. ثبات سیاسی ناظر به توازن بین «خواست‌های مردمی» و «کارکردهای حکومتی» است و بر اساس آن باید حکومت به خواست‌های مردم پاسخ قانع‌کننده‌ای ارائه کند. برخی اقتصاددانانی مانند دانکوارت راستو^۱ (۱۹۷۰، ۱۹۷۹) ثبات سیاسی (PS)^۲ را با توجه به مشروعیت سیاسی شامل ترکیب مشروعیت نهادها (IE^۳) و مشروعیت شخصی حاکمان (PES^۴) تعریف کرده و آن را با فرمول زیر بیان می‌کند:

مشروعیت شخصی حاکمان + مشروعیت نهادها = ثبات سیاسی

$$PS = IE + PES$$

پس از نظر او بی‌ثباتی سیاسی، زمانی به وقوع می‌پیوندد که ترکیب مشروعیت نهادی و مشروعیت شخصی زمامداران زیر سوال رود. السینا و پروتی^۵ (۱۹۹۶)، از ثبات سیاسی به مثابه فرایندی متحول یاد می‌کنند که در گذر زمان در حال تغییر آرام است (السینا و همکاران^۶، ۱۹۹۹). یکی از مواردی که تاکنون پژوهشگران آن را کمتر مورد آزمون تجربی قرار داده‌اند، رابطه بی‌ثباتی سیاسی و تهدید حقوق مالکیت می‌باشد. در یک محیط با نااطمینانی زیاد، ممکن است انباشت سرمایه به تعویق افتد، به خارج منتقل شود (فرار سرمایه) یا به شکل غیر بهینه، مصرف شود. بی‌ثباتی سیاسی به چند شکل منجر به تضعیف حقوق مالکیت می‌شود. اول، هنگامی که ناآرامی اجتماعی گسترده می‌شود، احتمال سرنگونی حکومت بیشتر شده و حفاظت از حقوق مالکیت دشوار می‌شود. دوم، ناآرامی‌های سیاسی-اجتماعی ممکن است اختلالاتی در فعالیت‌های مولد ایجاد کنند. بر اساس مطالعه بارو^۷ (۲۰۰۲) ورود فقرا به فعالیت‌های مجرمانه و خشونت‌آمیز تهدیدی برای حقوق مالکیت بوده منجر به کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود. هرگونه بی‌ثباتی سیاسی، به ویژه در

1. Dankort Rostow (1970, 1979)

2. Political Stability

3. Institutional Eligibility

4. Personal Eligibility of State

5. Alesina & Perotti (1996)

6. Alesina (1999)

7. Barro (2002)

کشورهای در حال توسعه می‌تواند منجر به بی‌ثباتی اقتصادی شده و حرکت طبیعی اقتصاد را دچار اختلال نماید (اصغریور و همکاران، ۲۰۱۳). در هر صورت بهبود توسعه انسانی از طریق تخصیص هزینه‌های آموزشی و بهداشتی می‌تواند منجر به افزایش تعداد انسان‌های باسواد، سالم و برخوردار از رفاه اقتصادی مورد نیاز شده و در نهایت ثبات سیاسی را افزایش دهد.

۳- پیشینه و مطالعات انجام شده

یک هدف این مقاله ارزیابی تاثیر هزینه‌های دولت بر ثبات سیاسی-اجتماعی از منظر توسعه انسانی است. از این رو در این قسمت به مطالعاتی اشاره می‌شود که پیرامون ارتباط هزینه‌های دولت، سرمایه انسانی و ثبات سیاسی تدوین شده‌اند. از مطالعات داخلی می‌توان چند مورد را برجسته کرد. دادگر و محمودوند (۱۴۰۰) ضمن ارزیابی متغیرهای تاثیرگذار بر بی‌ثباتی به بررسی رابطه نابرابری و ناآرامی‌های اجتماعی در ایران و ۵۲ کشور منتخب برای دوره ۲۰۱۷-۱۹۹۶ پرداخته‌اند. آن‌ها ارتباطی معنادار بین ناآرامی‌های اجتماعی و نابرابری اقتصادی را نشان داده‌اند. مطالعه فرجی راد و هاشمی (۲۰۱۶) نشان می‌دهد که نظام‌های سیاسی و ایدئولوژیک خاورمیانه باعث تقسیم منطقه به دو دسته؛ جمهوری اسلامی از یک سو و عربستان از سوی دیگر گردیده که موجب درگیری و جنگ نیابتی در منطقه شده است. نتیجه پژوهش شاهکلایی (۲۰۱۶) حاکی از آن است که در کشورهای خاورمیانه ثبات سیاسی بر رشد اقتصادی تاثیر مثبت و معنی‌داری داشته است. نتایج مطالعه افشاری و همکاران (۲۰۱۲) نشان می‌دهد که اثر هزینه‌های دولت در تولید ناخالص داخلی در کشورهای توسعه‌یافته بزرگ‌تر از کشورهای در حال توسعه می‌باشد. فطرس و ترکمنی (۲۰۱۲) در بررسی تاثیر توسعه انسانی بر رشد اقتصادی سه گروه کشورهای با درآمد سرانه بالا، درآمد متوسط و درآمد پایین نتیجه گرفتند که شاخص توسعه انسانی تاثیر مثبتی بر رشد اقتصادی هر سه گروه دارد، اما ضرایب این تاثیرگذاری برای کشورهای با درآمد سرانه بالا بیش از دو برابر آن در کشورهای درآمد پایین است. نتیجه بررسی باسحا و همکاران (۲۰۱۱) حاکی از تاثیر مثبت و معنی‌دار هزینه‌های دولت بر متغیرهای اجتماعی است. مطالعه محمدزاده و همکاران (۲۰۱۱) حاکی است که عامل سرمایه انسانی و کیفیت نهادها از مهم‌ترین فاکتورهای رشد اقتصادی به شمار می‌روند. کار الماسی و همکاران (۲۰۱۱) نشان داد که در بلندمدت اثر افزایش سرمایه‌های انسانی بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار است. صباغ کرمانی و باسحا (۲۰۰۸) به نقش کیفیت حکمرانی در بهبود هزینه‌های دولت پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که هزینه‌های آموزشی و بهداشتی دولت در کشورهای دارای کیفیت حکمرانی بهتر،

موثرتر هستند. بر اساس نتایج کار جعفری صمیمی و همکاران (۲۰۰۷) رابطه مثبت و معنی‌داری بین ثبات سیاسی و رشد اقتصادی وجود دارد.

در مطالعات خارجی نیز اودین و همکاران^۱ (۲۰۱۷) نشان داده‌اند که ثبات سیاسی از طریق انباشت سرمایه انسانی بر رشد اثر می‌گذارد. نتیجه کار فرجی دیزجی و همکاران (۲۰۱۶) نشان می‌دهد که با یک شوک مثبت در کیفیت نهاده‌های دموکراتیک، هزینه‌های نظامی ایران کاهش و هزینه‌های آموزشی افزایش می‌یابند. کادیل و همکاران^۲ (۲۰۱۴) نتوانستند بین سرمایه انسانی و رشد، رابطه قوی نشان دهند. ایمران و همکاران^۳ (۲۰۱۲) نشان دادند که افزایش مخارج آموزش و بهداشت موجب افزایش بهره‌وری و رشد اقتصادی در پاکستان شده است. مطالعه یانگ^۴ (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که کارآمدی دولت رابطه مثبت با توسعه انسانی دارد. آيسن و وِیگا^۵ (۲۰۱۰) نتیجه می‌گیرند که درجات بالاتر بی‌ثباتی سیاسی، تضاد اجتماعی، دموکراسی ضعیف و نبود استقلال بانک مرکزی منجر به نرخ‌های تورم بالا می‌شود. دیویس^۶ (۲۰۰۹) نشان داد که افزایش مخارج دولت در آموزش و بهداشت، بهره‌وری را افزایش می‌دهد. بررسی یاکوب و همکاران^۷ (۲۰۰۶) نشان می‌دهد که حکمرانی خوب در تضمین ارابه خدمات بهداشتی و هزینه‌های بهداشت عمومی در کشورهای منتخب آفریقایی موثر می‌باشد. بر اساس مطالعه بالداسیو و همکاران^۸ (۲۰۰۳) در ۱۱۸ کشور در حال توسعه هزینه‌های دولت، تأثیر معنی‌داری بر شکل‌گیری سرمایه انسانی داشته و نرخ رشد را تحت تأثیر قرار داده است. آلسینا و پروتی (۱۹۹۶) نشان دادند که نابرابری درآمدی باعث افزایش بی‌ثباتی سیاسی و کاهش سرمایه‌گذاری شده است. ملاحظه می‌شود که بیشتر مطالعات داخلی به بررسی تأثیر ثبات سیاسی بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند و مطالعات محدودی در خارج از کشور به بررسی تأثیر ثبات سیاسی بر تورم و سرمایه‌گذاری پرداختند. این مقاله به بررسی نقش توسعه‌ی انسانی در ایجاد ثبات سیاسی و پیوند آن با هزینه دولت می‌پردازد.

1. Uddin (2017)

2. Čadil (2014)

3. Imran (2012)

4. Yang (2010)

5. Aisen & Veiga (2010)

6. Davis (2009)

7. Yaqub (2006)

8. Baldacci (2003)

۴- تحلیل آماری و روش‌شناسی

۴-۱- برخی یافته‌های آماری توسعه انسانی و ثبات سیاسی

توسعه انسانی ترکیبی از سه شاخص امید به زندگی، شاخص آموزش و شاخص درآمد سرانه است. شاخص امید به زندگی مشخص‌کننده میزان رعایت استانداردهای بهداشتی در یک جامعه، شاخص آموزش وضعیت استانداردهای آموزشی و نرخ باسوادی یک کشور و شاخص درآمد، استانداردهای رفاهی و اقتصادی یک کشور را نشان می‌دهد. اگر در یک دوره زمانی طولانی هر سه این شاخص‌ها افزایش داشته باشند، شاخص توسعه انسانی نیز افزایش خواهد داشت. جدول (۱) گزارشی از شاخص توسعه انسانی و اجزاء تعیین‌کننده آن نشان می‌دهد. این جدول گزارشی سه ساله در یک بازه ده ساله (۲۰۱۰-۲۰۲۰) برای کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه است، همچنین میانگین آماری دو گروه از کشورهای منتخب این مقاله یعنی کشورهای اُ ای سی دی و منا را نیز نشان می‌دهد. در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان به روند مثبت و رو به رشد شاخص توسعه انسانی و عوامل تعیین‌کننده آن پی برد. بخش‌هایی که دولت می‌تواند با سرمایه‌گذاری در آن‌ها به سرعت بخشیدن بر رشد و توسعه کمک کند، آموزش و بهداشت است. زیرا هزینه‌های دولت در آموزش و بهداشت با میزان سرمایه انسانی رابطه مستقیم دارد. از این رو دولت‌ها مسئولیت تضمین آموزش و بهداشت با کیفیت را به عهده می‌گیرند و این یک دستاورد مهم است.

در جدول (۲) هزینه‌های آموزشی و بهداشتی دولت نسبت به تولید ناخالص داخلی کشورها ارائه شده است که بیان‌گر روند صعودی بودجه تخصیص یافته دولت‌ها برای آموزش و پرورش است. روند صعودی هزینه‌های دولت در این دو بخش در نمودار (۱) نشان داده شده است.

جدول ۱: شاخص توسعه انسانی و مقیورهای تشکیل دهنده آن برای کشورهای منتخب و ایران

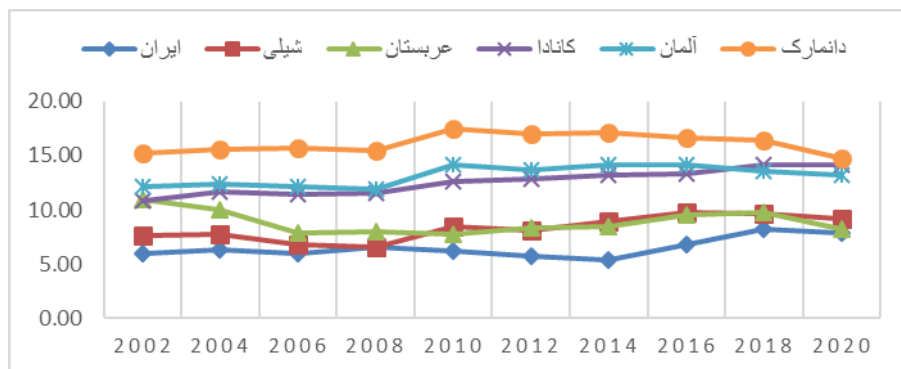
کشور	شاخص توسعه انسانی		آمید به زندگی				توسعه انسانی سال				
	۲۰۱۵	۲۰۲۰	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰
ایران	۰.۹۳	۰.۹۳	۰.۹۳	۰.۹۴	۰.۹۳	۰.۹۳	۰.۹۴	۰.۹۴	۸۱.۳۰	۸۱.۲۰	۰.۹۳
دانمارک	۰.۹۴	۰.۹۳	۰.۹۱	۰.۹۳	۰.۹۳	۰.۹۳	۰.۹۴	۰.۹۴	۸۰.۸۰	۸۰.۸۰	۰.۹۳
ژاپن	۰.۹۲	۰.۹۱	۰.۸۹	۰.۹۸	۰.۹۹	۸۳.۰۰	۸۳.۰۰	۸۳.۰۰	۸۴.۵۰	۸۴.۵۰	۰.۹۱
عربستان	۰.۸۵	۰.۸۵	۰.۸۱	۰.۸۴	۰.۸۵	۷۳.۹۰	۷۵.۱۰	۷۵.۰۰	۷۵.۰۰	۷۵.۰۰	۰.۸۱
شیلی	۰.۸۵	۰.۸۴	۰.۸۰	۰.۹۲	۰.۹۳	۷۸.۸۰	۸۰.۳۰	۸۰.۰۰	۸۰.۰۰	۸۰.۰۰	۰.۸۴
ایران	۰.۷۸	۰.۷۹	۰.۷۶	۰.۸۶	۰.۸۷	۷۳.۹۰	۷۵.۷۰	۷۵.۵۰	۷۵.۵۰	۷۵.۵۰	۰.۷۶
مصر	۰.۷۱	۰.۶۹	۰.۶۷	۰.۷۹	۰.۸۰	۷۰.۳۰	۷۲.۰۰	۷۱.۸۰	۷۱.۸۰	۷۱.۸۰	۰.۶۷
چین	۰.۷۴	۰.۷۲	۰.۷۰	۰.۸۱	۰.۸۱	۷۰.۵۰	۷۳.۸۰	۷۳.۵۰	۷۳.۵۰	۷۳.۵۰	۰.۷۰
oecd	۰.۹۰	۰.۸۹	۰.۸۷	۰.۹۳	۰.۹۳	۷۹.۴۰	۸۰.۱۰	۸۰.۴۰	۸۰.۴۰	۸۰.۴۰	۰.۸۷
mean	۰.۷۸	۰.۷۸	۰.۷۴	۰.۸۴	۰.۸۴	۷۳.۷۰	۷۵.۶۰	۷۴.۶۳	۷۴.۶۳	۷۴.۶۳	۰.۷۴

منبع: محاسبات پژوهش با کمک داده‌های بخش آموزشی و فرهنگی سازمان ملل متحد (برون، ۲۰۲۰).

جدول ۲: هزینه‌های دولت در بخش آموزش و بهداشت (درصد از GDP): کشورهای منتخب و ایران (۲۰۲۰-۲۰۰۱)

سال	ایران			قطری			جordan			کویت			دانمارک		
	هزینه‌های بهداشتی	هزینه‌های آموزشی	جمع	هزینه‌های بهداشتی	آموزشی	جمع	هزینه‌های بهداشتی	آموزشی	جمع	هزینه‌های بهداشتی	آموزشی	جمع	هزینه‌های بهداشتی	آموزشی	جمع
۲۰۰۱	۱.۷۹	۴.۰۳	۵.۸۲	۳.۷۵	۳.۷۸	۷.۵۳	۳.۰۳	۵.۹۱	۸.۹۴	۶.۰۳	۵.۴۴	۱۱.۴۷	۶.۷۴	۸.۰۸	۱۴.۸۲
۲۰۰۲	۱.۹۵	۴.۰۷	۶.۰۳	۳.۷۷	۳.۸۵	۷.۶۲	۳.۲۴	۷.۷۲	۱۰.۹۶	۶.۳۰	۴.۹۷	۱۰.۸۹	۷.۰۵	۸.۲۲	۱۵.۲۶
۲۰۰۳	۱.۸۷	۴.۴۸	۶.۳۵	۳.۸۴	۴.۰۸	۷.۹۲	۳.۰۷	۷.۶۴	۱۰.۷۱	۶.۴۴	۵.۰۱	۱۱.۴۵	۷.۲۹	۸.۲۱	۱۵.۵۱
۲۰۰۴	۲.۰۲	۴.۳۶	۶.۳۹	۳.۸۳	۳.۹۶	۷.۷۹	۲.۸۸	۷.۱۱	۹.۹۹	۶.۶۱	۵.۰۲	۱۱.۶۳	۷.۴۷	۸.۱۲	۱۵.۵۹
۲۰۰۵	۱.۸۹	۴.۳۰	۶.۱۹	۳.۶۶	۳.۵۴	۷.۲۰	۲.۵۶	۶.۲۸	۸.۸۴	۶.۶۵	۴.۹۹	۱۱.۶۳	۷.۵۳	۸.۲۱	۱۵.۷۳
۲۰۰۶	۱.۹۶	۴.۰۶	۶.۰۱	۳.۴۹	۳.۲۶	۶.۷۵	۲.۴۸	۵.۴۳	۷.۹۱	۶.۶۲	۴.۷۸	۱۱.۴۰	۷.۶۱	۸.۰۹	۱۵.۷۰
۲۰۰۷	۲.۱۷	۴.۲۹	۶.۴۶	۳.۲۶	۳.۰۲	۶.۲۹	۲.۶۴	۵.۸۹	۸.۵۳	۶.۶۹	۵.۱۲	۱۱.۸۱	۷.۶۹	۷.۷۳	۱۵.۴۲
۲۰۰۸	۲.۰۱	۴.۶۰	۶.۶۰	۳.۴۰	۳.۲۱	۶.۶۱	۲.۵۱	۵.۵۴	۸.۰۵	۶.۷۸	۴.۷۸	۱۱.۵۶	۷.۸۱	۷.۶۲	۱۵.۴۲
۲۰۰۹	۱.۹۶	۳.۹۱	۵.۸۷	۳.۸۰	۳.۷۹	۷.۵۹	۱.۸۹	۵.۱۴	۷.۰۳	۶.۹۱	۴.۶۴	۱۱.۵۴	۷.۹۹	۷.۴۸	۱۵.۴۷
۲۰۱۰	۲.۴۰	۳.۸۴	۶.۲۵	۴.۲۱	۴.۲۳	۸.۴۴	۲.۷۹	۵.۰۲	۷.۸۱	۷.۷۶	۴.۸۵	۱۲.۶۱	۹.۰۲	۸.۴۵	۱۷.۴۶
۲۰۱۱	۲.۱۹	۳.۷۱	۵.۹۰	۴.۰۰	۴.۱۶	۸.۱۶	۲.۲۷	۵.۳۱	۷.۵۸	۷.۷۱	۵.۳۷	۱۳.۰۷	۸.۶۷	۸.۵۶	۱۷.۲۳
۲۰۱۲	۲.۲۰	۳.۴۹	۵.۶۹	۴.۰۳	۴.۰۵	۸.۰۷	۲.۴۹	۵.۸۶	۸.۳۵	۷.۵۴	۵.۲۷	۱۲.۸۱	۸.۴۹	۸.۴۸	۱۶.۹۷
۲۰۱۳	۲.۲۸	۳.۱۷	۵.۴۵	۴.۲۱	۴.۲۴	۸.۴۵	۲.۷۴	۵.۷۴	۸.۴۹	۷.۵۵	۵.۷۷	۱۳.۳۲	۸.۶۰	۷.۲۴	۱۵.۸۴
۲۰۱۴	۲.۳۱	۳.۰۷	۵.۳۸	۴.۴۲	۴.۵۳	۸.۹۵	۳.۱۱	۵.۳۳	۸.۴۴	۷.۴۵	۵.۷۹	۱۳.۲۴	۸.۵۷	۸.۴۹	۱۷.۰۶
۲۰۱۵	۳.۴۸	۲.۸۰	۶.۲۸	۴.۶۰	۴.۷۳	۹.۳۳	۳.۷۳	۵.۳۳	۹.۰۶	۷.۳۳	۵.۶۷	۱۳.۰۰	۸.۵۶	۷.۶۳	۱۶.۲۰
۲۰۱۶	۴.۰۴	۲.۸۰	۶.۸۴	۴.۸۸	۴.۸۷	۹.۷۵	۴.۱۱	۵.۴۴	۹.۵۵	۷.۶۴	۵.۶۹	۱۳.۳۳	۸.۶۵	۸.۰۳	۱۶.۶۸
۲۰۱۷	۴.۴۲	۳.۳۷	۷.۷۸	۴.۹۹	۵.۳۵	۱۰.۳۴	۳.۸۹	۵.۳۰	۹.۱۹	۷.۷۴	۶.۰۰	۱۳.۷۴	۸.۷۱	۸.۲۵	۱۶.۹۵
۲۰۱۸	۴.۴۸	۳.۷۹	۸.۲۷	۴.۲۲	۵.۴۲	۹.۶۴	۳.۹۸	۵.۷۵	۹.۷۳	۸.۰۱	۶.۱۱	۱۴.۱۲	۸.۵۳	۷.۸۲	۱۶.۳۵
۲۰۱۹	۴.۴۳	۳.۹۶	۸.۳۹	۴.۵۷	۴.۴۴	۹.۰۱	۴.۴۳	۴.۶۹	۹.۱۲	۷.۹۰	۶.۴۵	۱۴.۳۵	۸.۴۳	۷.۱۰	۱۵.۵۳
۲۰۲۰	۳.۹۸	۳.۹۵	۷.۹۳	۴.۶۴	۴.۵۱	۹.۱۵	۳.۹۸	۴.۲۷	۸.۲۵	۷.۹۳	۶.۲۲	۱۴.۱۵	۸.۴۴	۶.۳۰	۱۴.۷۴

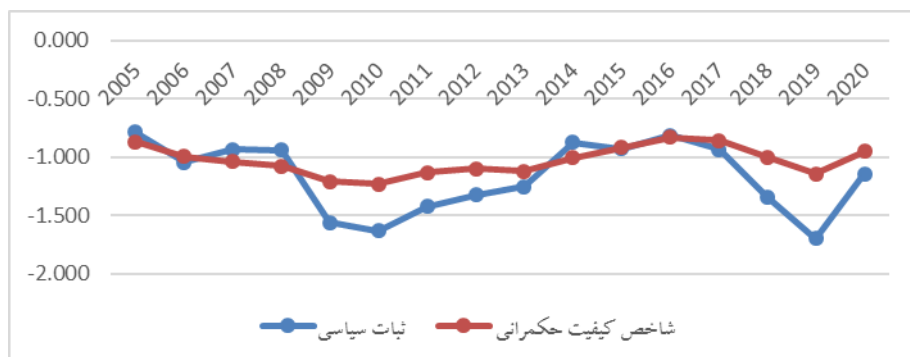
منبع: محاسبات پژوهش



نمودار ۱: هزینه‌های دولت در بخش آموزش و سلامت برای چند کشور و ایران (۲۰۰۲-۲۰۲۰)

منبع: داده‌های بانک جهانی و محاسبات پژوهش (۲۰۲۰)

بر خلاف کشورهای پردرآمد، در کشورهای کم درآمد، سهم بودجه آموزشی - بهداشتی پایین است. هزینه‌های بالای دولت‌ها در این دو بخش نشان‌گر توجه ویژه آن‌ها به افزایش رشد اقتصادی و افزایش رفاه شهروندان و همراهی آن‌ها با ثبات سیاسی است. نمودار (۲) رابطه کیفیت حکمرانی و ثبات سیاسی ایران را نشان می‌دهد.



نمودار ۲: شاخص کیفیت حکمرانی و ثبات سیاسی برای ایران (۲۰۰۵-۲۰۲۰)

منبع: بانک جهانی (۲۰۲۰)

در جدول (۳) مقدار عددی ثبات سیاسی، سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی، تورم و حقوق مالکیت برای کشورهای مورد مطالعه ملاحظه می‌شود.

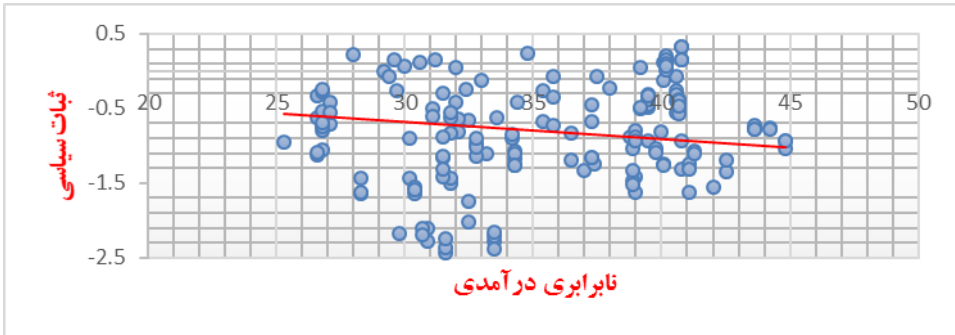
جدول ۳: امتیاز ثبات سیاسی و برخی از متغیرهای اقتصادی برای کشورهای منتخب

کشور	سال	ثبات سیاسی	رشد اقتصادی	تورم	حقوق مالکیت
آلمان	۲۰۰۵	۰.۸۹	۰.۷۲۲	۰.۴۱۵	۸.۰۹
	۲۰۱۰	۰.۷۹۷	۴.۱۷۹	۰.۶۴۶	۸.۰۳
	۲۰۱۵	۰.۷	۲.۲۲۶	۱.۸۶۲	۷.۶۱
	۲۰۲۰	۰.۵۸۲	۱.۵۴	۰.۵	۷.۹۰۹
کانادا	۲۰۰۵	۰.۸۳	۴.۹۹۶	۱.۳۸۴	۷.۴
	۲۰۱۰	۰.۹۳۶	۳.۰۸۹	۲.۸۶۸	۸.۰۱
	۲۰۱۵	۱.۲۷۵	۲.۸۶۸	۱.۹۵۸	۷.۹۳
	۲۰۲۰	۱.۰۲	۱.۶۵	۰.۷	۸.۲۹
ژاپن	۲۰۰۵	۱.۰۳۶	۱.۶۶۳	-۱.۰۳۷	۷.۵
	۲۰۱۰	۰.۸۷۹	۴.۱۹۲	-۱.۸۹۵	۷.۶۱
	۲۰۱۵	۱.۰۶۵	۰.۳۷۵	۱.۷۴۵	۷.۹۸
	۲۰۲۰	۱.۰۴۱	۰.۶۵	۰	۸.۲۳
شیلی	۲۰۰۵	۰.۸۴۵	۵.۷۴۳	۷.۶۴۳	۶.۸۸
	۲۰۱۰	۰.۶۸	۵.۸۴۴	۸.۹۶۲	۶.۶۵
	۲۰۱۵	۰.۴۳۳	۱.۷۶۷	۵.۹۰۶	۶.۴
	۲۰۲۰	۰.۲۰۶	۱.۰۵	۳	۶.۰۴
عربستان	۲۰۰۵	-۰.۲۴۴	۵.۵۷۴	۲۰.۱۵	۶.۰۸
	۲۰۱۰	-۰.۲۲۷	۵.۰۳۹	۱۷.۱۹۱	۶.۵
	۲۰۱۵	-۰.۶۲۶	۳.۶۵۲	-۲.۲۷	۵.۹۸
	۲۰۲۰	-۰.۵۱۸	۰.۳۳۱	۳.۴	۶.۱۹
ایران	۲۰۰۵	-۰.۷۸۴۸	۳.۱۹	۲۰.۱۶۶	۳.۷۷
	۲۰۱۰	-۱.۶۳۰۶	۵.۷۹۸	۱۵.۸۸۳	۳.۹۷
	۲۰۱۵	-۱.۳۲۱	۴.۶۰۳	۱۰.۸۳۸	۴.۲
	۲۰۲۰	-۱.۶۹۸	-۶.۷۸	۳۹.۹	۴.۷۵
مصر	۲۰۰۵	-۰.۶۳	۴.۴۷۲	۶.۲۱۳	۳.۷۸
	۲۰۱۰	-۰.۸۹۸	۵.۱۴۷	۱۰.۱۰۷	۵.۰۲
	۲۰۱۵	-۱.۴۹۷	۲.۹۱۶	۱۱.۲۴۸	۴.۱۴
	۲۰۲۰	-۱.۰۶۶	۵.۵۵	۰.۵	۵.۰۶

منبع: بانک جهانی، سایت آزادی اقتصادی (۲۰۲۰) و محاسبات پژوهش

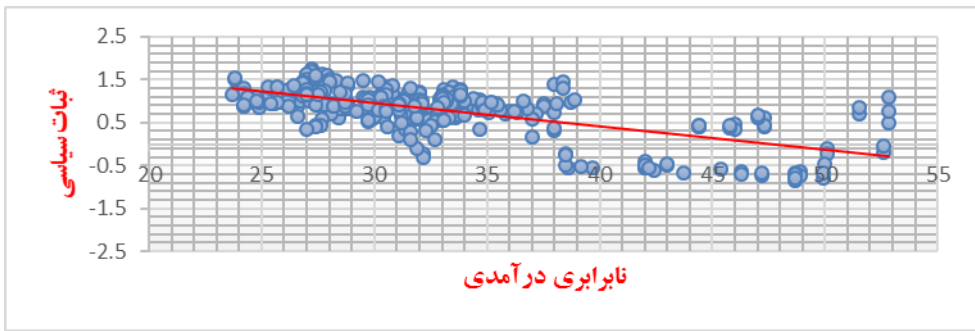
عدم اطمینان و بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی می‌تواند یکی از دلایل اصلی عدم موفقیت جذب سرمایه‌گذاری داخلی و بویژه خارجی باشد. به عنوان نمونه شواهد نشان می‌دهد که در اقتصادهایی که حاکمیت قانون (نمادی از ثبات) به رسمیت شناخته نمی‌شود، تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی با شکست مواجه شده است. از این رو تلاش برای افزایش امنیت سرمایه‌گذاری از طریق بهبود ثبات سیاسی می‌تواند از اولین عامل‌های افزایش سرمایه‌گذاری قلمداد شود. همچنین میزان و

چگونگی ثبات سیاسی یکی از عوامل مهم اختلاف رشد اقتصادی و تورم بین کشورها بوده است. هرچه کشوری از ثبات بالاتری برخوردار باشد، منجر به بهبود انگیزه کسب و کار، استفاده بیشتر از ظرفیت‌های تولیدی، افزایش توان رقابتی، رشد سهم بهره‌وری عوامل در تولید ناخالص و دستیابی به رشد اقتصادی مستمر خواهد شد. جدول ۳ همبستگی مستقیم ثبات سیاسی با حقوق مالکیت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را نشان می‌دهد. تنش، جنگ و ... امنیت انسانی و اجتماعی را در معرض خطر قرار می‌دهد. همچنین خشونت، حمله تروریستی و مانند آن، ناامنی را بیشتر می‌کند. منازعات نظامی هزینه‌های کلانی را بر شهروندان تحمیل می‌کند. چنین کشمکش‌هایی معیشت و امنیت عمومی را تخریب و کسب و کار، خدمات اجتماعی و بازارها را مختل می‌کند. این موارد می‌تواند به اشکال گوناگون، از جمله وقوع فاجعه‌های انسانی و هجوم آوارگان به افزایش ناامنی منجر شود. حل و فصل این امور مستلزم مسئولیت بیشتر و پاسخ‌گویی دولت‌ها در برابر شهروندان است. عوامل گوناگونی می‌تواند کشمکش‌ها را بیشتر و بی‌ثباتی را افزایش دهد؛ از آن جمله است جرایم سازمان یافته، رونق بازار کالاهای نظامی، رونق بازار خدمات امنیتی و گسترش افراطی‌گری. اگرچه در حال حاضر ایران در ظاهر امن است اما بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و پاسخ‌گو نبودن نهادهای مسئول در برابر مطالبه شهروندان از یک سو و وجود جریان‌ات شبه نظامی در داخل و در منطقه، از سوی دیگر خطر آغاز کشمکش‌ها و تنش‌ها را افزایش می‌دهد. این امور بر ثبات سیاسی اثر منفی دارد. همچنین نابرابری اقتصادی می‌تواند موجب تنش‌های اجتماعی شود که با ثبات سیاسی ناسازگار است. بنابراین انتظار این است که یک همبستگی منفی بین نابرابری و ثبات سیاسی باشد که هم در کشورهای منا (نمودار ۳) و هم توسعه یافته (نمودار ۴) نشان داده شده است.



نمودار ۳: همبستگی بین متغیرهای نابرابری در آمدی و ثبات سیاسی در کشورهای منا (۲۰۱۹-۲۰۰۰)

منبع: داده‌های بانک جهانی و محاسبات پژوهش



نمودار ۴: همبستگی بین متغیرهای نابرابری در آمدی و ثبات سیاسی در کشورهای توسعه یافته (۲۰۱۹-۲۰۰۰)

منبع: داده‌های بانک جهانی و محاسبات پژوهش

همبستگی بین دموکراسی و ثبات سیاسی نیز معنادار است. در این زمینه چند نظریه رقیب وجود دارد؛ نظریه ثبات دموکراتیک، نظریه ثبات اقتدارگرا و نظریه ثبات تلفیقی. نظریه ثبات دموکراتیک به حاکمیت‌های دموکراتیک مربوط است که این نظریه را سازگار با ثبات سیاسی می‌دانند. بر اساس نظریه مقابل، اقتدارگرایی زمینه ثبات سیاسی را فراهم می‌آورد. بر اساس نظریه ثبات تلفیقی آن رژیم‌هایی از ثبات بیشتری برخوردارند که ترکیبی از نهادهای دموکراتیک و اقتدارگرا داشته باشند (اسپریت^۱، ۱۹۹۶؛ زورسکی^۲، ۲۰۱۰). در هر صورت داده‌های آماری وجود همبستگی بین دموکراسی و ثبات سیاسی را اثبات می‌کند که در نمودارهای (۵) و (۶) ملاحظه می‌شود.

1. Spruyt (1996)

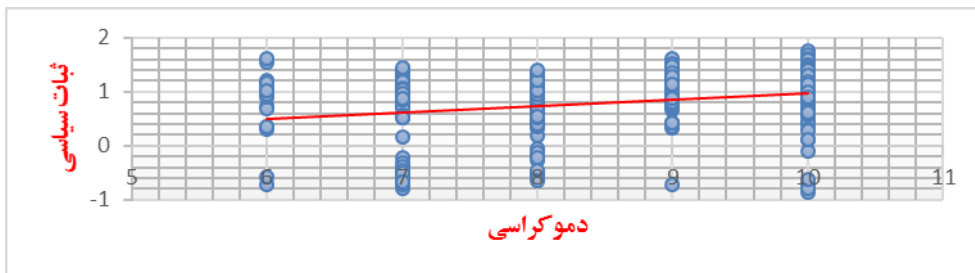
2. Przeworski (2010)



نمودار ۵: همبستگی متغیرهای دموکراسی و ثبات سیاسی در کشورهای منا (۲۰۱۹-۲۰۰۰)

منبع: داده‌های بانک جهانی و محاسبات پژوهش

با وجود همبستگی مثبت بین دو متغیر دموکراسی و ثبات سیاسی در کشورهای توسعه‌یافته این رابطه در کشورهای منا منفی است. دلیل این امر را می‌توان در وجود سیستم‌های سیاسی بسته و اقتدارگرا در کشورهای مربوطه جستجو کرد. زیرا به علت وجود انواع نابرابری‌ها، نبود بسیاری از آزادی‌های مدنی و همچنین کارکرد ضعیف یا نبود احزاب کارآمد، نبود تشکل‌های مدنی، رسانه‌های آزاد و ... در بسیاری از کشورهای عضو منا، ممکن است هرگونه باز کردن فضای سیاسی منجر به اعتراضات دسته جمعی گردیده که با سرکوب حکومت‌های استبدادی موجب بی‌ثباتی بیشتر می‌شود. البته در صورت وجود دموکراسی، معترضان آزادانه و مسالمت آمیز، دولت را نقد می‌کنند و دولت استاندارد نیز بدون کاربرد هر نوع خشونت، پاسخ‌گوی مطالبات شهروندان خواهد بود. به نظر می‌رسد نبود چنین دولت‌هایی در تعدادی از کشورهای منا و از جمله ایران موجب شکل‌گیری رابطه منفی فوق گردیده است.



نمودار ۶: همبستگی متغیرهای دموکراسی و ثبات سیاسی در کشورهای توسعه‌یافته (۲۰۱۹-۲۰۰۰)

منبع: داده‌های بانک جهانی و محاسبات پژوهش

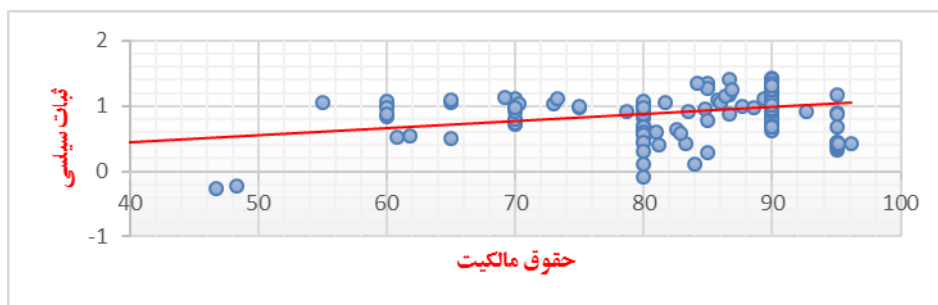
بسیاری از کشورها تمایل زیادی به جذب سرمایه خارجی دارند. عملکرد کشورها در جذب سرمایه‌گذاری خارجی بسته به نوع نظام حاکم متفاوت است، چرا که عوامل سیاسی و نهادی تأثیر

بسیار زیادی بر جریان سرمایه خارجی دارند. یکی از این عوامل ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت است. نمودارهای (۷) و (۸) رابطه مثبت بین ثبات سیاسی و بهبود حقوق مالکیت را نشان می‌دهند.



نمودار ۷: همبستگی متغیرهای ثبات سیاسی و حقوق مالکیت در کشورهای منا (۲۰۱۹-۲۰۰۰)

منبع: داده‌های بانک جهانی و محاسبات پژوهش



نمودار ۸: همبستگی متغیرهای ثبات سیاسی و حقوق مالکیت در کشورهای توسعه یافته (۲۰۱۹-۲۰۰۰)

منبع: داده‌های بانک جهانی (۲۰۲۰) و محاسبات پژوهش

۴-۲- برآورد مدل و تحلیل نتایج

همان‌طور که اشاره شد این مقاله به بررسی ثبات سیاسی دو گروه از کشورهای پیشرفته و منا در بازه‌ی زمانی ۱۹۹۸ تا ۲۰۲۰ می‌پردازد. داده از بانک جهانی، سایت آزادی اقتصادی، گزارش‌های برنامه توسعه سازمان ملل^۱، سایت مرکز نابرابری جهانی و بانک مرکزی ایران (۱۴۰۰) استفاده شده است. در این مقاله به بررسی تأثیر هزینه‌های آموزشی و بهداشتی (به عنوان نماینده هزینه‌های رفاهی دولت) بر روی شاخص ثبات سیاسی پرداخته می‌شود. به این صورت که ابتدا تأثیر هزینه‌های مربوطه بر روی شاخص توسعه انسانی به همراه سایر متغیرهای تأثیرگذار بر آن برآورد می‌شود و سپس باقیمانده در معادله ثبات سیاسی جایگذاری شده و همراه با متغیرهای تعیین‌کننده

^۱. United Nations Development Program

آن برآورد می‌شود. مدل ارائه شده برای هر دو گروه کشورهای منا و توسعه یافته به صورت یکسان تصریح شده است. با توجه به دو متغیر وابسته یعنی شاخص توسعه انسانی و ثبات سیاسی و متغیرهای تاثیرگذار بر آن‌ها و تصریح آن‌ها، از سیستم معادلاتی استفاده می‌شود تا بتوان به طور همزمان برآورد نتایج صورت گیرد. در این رابطه از مطالعات السینا و پروتی (۱۹۹۶)، السینا و رودریک (۱۹۹۹)، بارو (۲۰۰۲)، پرسون و تابلینی^۱ (۱۹۹۴)، آسموگلو و رایسنون^۲ (۲۰۰۰)، کیفر و نک^۳ (۲۰۰۲) و بالتاجی و دنگ^۴ (۲۰۱۴) برای طراحی سیستم معادلات استفاده شده است. همچنین به منظور تصریح مدل توسعه انسانی از مطالعات سان^۵ (۲۰۱۰)، کوهن و سونو^۶ (۲۰۰۷)، لنگ و تاپل^۷ (۲۰۰۶)، لوی و شدی^۸ (۲۰۱۳) و برای معرفی عوامل موثر بر ثبات سیاسی از مطالعات فنک^۹ (۱۹۹۷) و دانینگ^{۱۰} (۲۰۰۵) هم بهره‌برداری شده است. شاخص توسعه انسانی (HDI) در این مقاله به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$HDI = f(EDU, HEAL, LEI, GINI, GDPP, MYS, PS, \dots)$$

که HDI به عنوان متغیر وابسته (شاخص توسعه انسانی)، EDU هزینه‌های دولت در آموزش و HEAL هزینه‌های دولت در بهداشت، LEI شاخص مربوط به کیفیت زندگی، GINI ضریب جینی، GDPP سرانه تولید ناخالص داخلی، MYS متوسط سال‌های تحصیل و PS شاخص ثبات سیاسی می‌باشند. PS با توجه به تاثیرگذاری دو طرفه بین ثبات سیاسی و شاخص توسعه انسانی بکار می‌رود که عددی بین ۲٫۵ و ۲٫۵- است.

معادله شاخص ثبات سیاسی، PS هست:

$$PS = f(UE, INF, HDI, INV, DEM, DC)$$

که در آن UE نرخ بیکاری، INF نرخ تورم، HDI شاخص توسعه انسانی، INV سرمایه‌گذاری،

1. Persson & Tabellini (1994)

2. Acemoglu & Robinson (2000)

3. Keefer & Knack (2002)

4. Baltagi & Deng (2014)

5. Son (2010)

6. Cohen & Soto (2007)

7. Lange & Topel (2006)

8. Levy & Shady (2013)

9. Feng (1997)

10. Dunning (2005)

DEM دموکراسی و DC هزینه‌های دفاعی است. با توجه به این که باید این دو معادله به صورت یک سیستم معادلات همزمان برآورد شوند داریم:

$$\begin{aligned} \text{HDI} &= f(\text{EDU}, \text{HEAL}, \text{LEI}, \text{GINI}, \text{GDPP}, \text{MYS}, \text{PS}) \\ \text{PS} &= f(\text{UE}, \text{INF}, \text{HDI}, \text{INV}, \text{DEM}, \text{DC}) \end{aligned}$$

سیستم معادلات همزمان وقتی مورد استفاده قرار می‌گیرد که بین متغیرها وابستگی مستقیم وجود دارد.

تصریح سیستم در حالت لگاریتمی است:

$$\begin{aligned} \text{Log (HDI)} &= \beta_0 + \beta_{11} \text{Log (EDU)} + \beta_{12} \text{Log (HEAL)} + \beta_{13} \text{LEI} + \beta_{14} \text{Log (GINI)} \\ &+ \beta_{15} \text{Log (GDPP)} + \beta_{16} \text{Log (MYS)} + \beta_{17} \text{Log (PS)} \\ \text{Log (PS)} &= \beta_{21} + \beta_{22} \text{UE} + \beta_{23} \text{INF} + \beta_{24} \text{Log (HDI)} + \beta_{25} \text{Log (INV)} + \beta_{26} \text{Log (DC)} \\ &+ \beta_{27} \text{DEM}. \end{aligned}$$

به منظور بررسی ارتباط بین متغیرهای هر معادله از آزمون همجمعی استفاده شده و نتایج آن برای کشورهای توسعه یافته و منا در جدول‌های (۴) و (۵) گزارش شده است:

جدول ۴: آزمون همجمعی معادلات مربوط به کشورهای توسعه یافته

معادله	مقدار آماره t	احتمال
معادله اول	-۵.۹۰۴۲۷	۰.۰۰۰۰
معادله دوم	-۱۶.۹۶۰۸	۰.۰۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

برای بررسی همجمعی معادلات پژوهش از آزمون کائو استفاده شده است. بر اساس جدول‌های (۴) و (۵) احتمال مربوطه نشان‌گر رد فرضیه صفر هم برای توسعه انسانی و هم برای ثبات سیاسی برای هر دو گروه کشورها می‌باشد. بنابراین می‌توان اطمینان حاصل کرد که برآورد دچار رگرسیون کاذب نخواهد شد.

جدول ۵: آزمون همجمعی معادلات مربوط به کشورهای منا

معادله	مقدار آماره t	احتمال
معادله اول	-۱.۷۰۸۱۹	۰.۰۴۳۸
معادله دوم	-۳.۵۴۶۳۹	۰.۰۰۰۲

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۲-۱- تعیین الگوی اثر ثابت در مقابل اثر تصادفی

برای تعیین داده‌های تابلویی و تلفیقی از آزمون F لیمر و برای تشخیص الگوی اثر ثابت در مقابل اثر تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شده است. نتایج آزمون‌های مربوطه برای دو گروه کشورها به ترتیب در جدول‌های (۶) و (۷) ملاحظه می‌شود.

جدول ۶: نتایج آزمون‌های F لیمر و هاسمن برای معادلات کشورهای توسعه یافته

		کشورهای توسعه یافته			
نتیجه		آزمون هاسمن	آزمون F لیمر	معادله	
معادله اول	مقدار آماره	۳۸,۵۴۱۱۰۵	۷۱,۹۴۱۱۷۵	داده‌های تابلویی و اثرات ثابت	
	احتمال	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰		
معادله دوم	مقدار آماره	۶,۶۴۰۵۱۸	۱,۴۹۶۴۴۷	داده‌های تلفیقی و اثرات تصادفی	
	احتمال	۰,۴۴۵۰۱۸	۰,۰۳۷۶		

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج برای کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد که در معادله اول (یعنی معادله توسعه انسانی)، داده‌ها از نوع تابلویی بوده و از الگوی اثرات ثابت پیروی می‌کند. اما در معادله ثبات سیاسی داده‌ها از نوع تلفیقی بوده و از الگوی اثرات تصادفی پیروی می‌کند.

جدول ۷: نتایج آزمون‌های F لیمر و هاسمن برای معادلات کشورهای عضو منا

		کشورهای منا (خاورمیانه و شمال افریقا)			
نتیجه		آزمون هاسمن	آزمون F لیمر	معادله	
معادله اول	مقدار آماره	۱۶,۲۰۵۰۲۱	۱۷۸,۸۹۵۶	داده‌های تابلویی و اثرات ثابت	
	احتمال	۰,۰۲۳۳	۰,۰۰۰۰		
معادله دوم	مقدار آماره	۶۵,۴۱۸۱	۵۶,۵۴۳۳	داده‌های تابلویی و اثرات ثابت	
	احتمال	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰		

منبع: یافته‌های پژوهش

برای کشورهای عضو منا هم نتایج حاکی از تابلویی بودن داده‌ها برای هر دو معادله است. همچنین الگوی مورد پیروی در این دو معادله الگوی اثرات ثابت می‌باشد. برای بررسی درون‌زایی متغیرها از آزمون اریب همزمانی استفاده می‌شود. برای انجام این کار ابتدا معادله شاخص توسعه انسانی با توجه به متغیرهای برون‌زای آن برآورد شده و سپس در معادله دوم یعنی ثبات سیاسی قرار گرفته و معنی‌داری آن سنجش شده است. نتایج مربوط به این آزمون برای کشورهای توسعه یافته و کشورهای منا به این صورت است که توسعه انسانی در معادله ثبات سیاسی و همچنین ثبات سیاسی-اجتماعی در معادله توسعه انسانی برای هر دو گروه کشورها درون‌زایی می‌باشد.

۴-۲-۲- شناسایی معادلات فرم ساختاری

برای بررسی امکان محاسبه ضرایب فرم ساختاری از آزمون تشخیص استفاده می‌شود که در آن باید دو شرط درجه‌ای (شرط لازم) و شرط رتبه‌ای (شرط کافی) مورد بررسی قرار گیرند. جدول‌های (۸)، (۹) و (۱۰) نتایج آزمون‌های شرط درجه‌ای و رتبه‌ای برای هر دو گروه از کشورها را نشان می‌دهند.

جدول ۸: نتایج مربوط به شرط درجه‌ای برای دو گروه از کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای منا

معادله مورد نظر (بحسب متغیر وابسته)	تعداد متغیرهای از پیش تعیین شده (k-K)	تعداد متغیرهای معادله مورد نظر منهای یک (m-1)	قابلیت تشخیص
معادله اول	۱۳-۵=۸	۲-۱=۱	بیش از حد مشخص
معادله دوم	۱۳-۵=۸	۲-۱=۱	بیش از حد مشخص

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج جدول (۸) حاکی از برقراری شرط درجه‌ای مربوط به مدل معادلات همزمان تحقیق حاضر می‌باشد. بنابراین می‌توان ادعا کرد که یک شرط از شروط معادلات همزمان در این مدل مورد تایید قرار گرفته است. جدول‌های (۹) و (۱۰) وضعیت شرط رتبه‌ای برای متغیرهای هر دو گروه از کشورها را نشان می‌دهد.

جدول ۹: نتایج مربوط به شرط رتبه‌ای برای کشورهای توسعه یافته

متغیر	۱	LHDI	LPS	LEDU	LHEAL	LLEI	LMYS	LGINI	UE	INF	LINV	LDC	DEM
معادله اول	β _{۱۰}	۱	-β _{۲۲}	-۲ _{۱۱}	-۲ _{۱۲}	-۲ _{۱۳}	-۲ _{۱۴}	-۲ _{۱۵}	۰	۰	۰	۰	۰
معادله دوم	β _{۲۰}	-β _{۲۱}	۱	۰	۰	۰	۰	۰	-۲ _{۲۱}	-۲ _{۲۲}	-۲ _{۲۳}	-۲ _{۲۴}	-۲ _{۲۵}

منبع: یافته‌های پژوهش

در برقراری شرط رتبه‌ای باید اثبات شود که هیچ ترکیب خطی بین ضرایب خارج از معادله مورد نظر وجود ندارد که در این جا حاصل شده است. زیرا در این پژوهش دو متغیر وابسته ثبات سیاسی و توسعه انسانی هستند که در جدول (۱۰) دترمینان ماتریس بین ضرایب متغیر ضریب جینی

(LGINI) و نرخ بیکاری (UE) غیر صفر می‌باشد که می‌تواند وجود شرط درجه‌ای را اثبات کند.

جدول ۱۰: نتایج مربوط به شرط رتبه‌ای برای دو گروه از کشورهای منا

متغیر	-	LHDI	LPS	LEDU	LHEAL	LLEI	LMYS	LGDDP	D1	LGINI	DEM	UE	INF	LNIV	LDC
ماده اول	β_1	۱	$-\beta_{12}$	- ۱۱	- ۱۲	- ۱۳	- ۱۴	- ۱۵	- ۱۶	- ۱۷	۰	۰	۰	۰	۰
ماده دوم	β_2	- β_{21}	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	- ۲۱	- ۲۲	- ۲۳	- ۲۴	- ۲۵

منبع: یافته‌های پژوهش

همچنین در جدول (۱۰) دترمینان ماتریس بین ضرایب ضریب جینی (LGINI) و دموکراسی (DEM) غیر صفر می‌باشد. بنابراین تمام شرایط آزمون‌های مربوط به معادلات همزمان برقرار شد و مشکلی برای تصریح مدل اقتصادسنجی وجود ندارد. پس آزمون‌های تشخیص درجه‌ای و رتبه‌ای معادلات موجود در مدل بیش از حد مشخص هستند و بنابراین می‌توان از برآوردگر حداقل مربعات سه مرحله‌ای^۱ (3SLS)، به منظور برآورد مدل بهره گرفت. روش 3SLS خود یک روش معادلات همزمان است. نتایج برآورد تجربی سیستم معادلات همزمان با استفاده از داده‌های تابلویی و تلفیقی و روش 3SLS برای کشورهای توسعه‌یافته در جدول (۱۱) ملاحظه می‌شود.

بر اساس جدول (۱۱) معادله اول (توسعه انسانی) تابعی از هزینه‌های دولت در بخش آموزش، بهداشت، شاخص کیفیت زندگی، متوسط سال‌های تحصیل، ضریب جینی و درآمد سرانه است. متغیر تاثیرگذار دیگر بر توسعه انسانی ثبات سیاسی-اجتماعی است. هزینه‌های دولت در دو بخش آموزش و سلامت با شاخص توسعه انسانی رابطه مستقیم دارند. متغیرهای تاثیرگذار دیگر که ارتباط مستقیمی با شاخص توسعه انسانی دارند شامل شاخص کیفیت زندگی، امید به زندگی و ثبات سیاسی و متوسط سال‌های تحصیل می‌باشد. انتظار این پژوهش ارتباط مستقیم و معنی‌دار

۱. Three-Stage Least Squares

ثبات سیاسی با شاخص توسعه انسانی بود که برآورد تجربی الگو آن را برای کشورهای توسعه‌یافته تایید کرد. متغیر تاثیرگذار دیگر بر توسعه انسانی ضریب جینی می‌باشد. این ضریب نوعی شکاف بین بالاترین درآمد و پایین‌ترین درآمد شهروندان یک جامعه را نشان می‌دهد. این عنصر در الگوی این مقاله به عنوان یک عامل موثر در کیفیت زندگی آشکار شده است. درآمد متناسب با نیازها و هزینه‌ها باعث اطمینان خاطر مردم شده و فرصت‌ها و انگیزه‌های رشد را فراهم می‌کند و نداشتن درآمد کافی انسان‌ها را از هرگونه فرصت آموزش دور می‌کند. نتایج برآورد الگوی این مقاله نشان می‌دهد که افزایش نابرابری‌های درآمدی منجر به کاهش توسعه انسانی در کشورهای توسعه‌یافته می‌شود. همچنین رابطه مثبت درآمد سرانه با توسعه انسانی و ثبات سیاسی-اجتماعی، یک عنصر کلیدی حکمرانی خوب، بررسی شده است. حکمرانی خوب پیش شرط لازم برای پیشرفت اقتصادی است و منجر به افزایش رشد اقتصادی می‌شود، برابری جنسیتی را تقویت می‌کند، به حفظ محیط زیست کمک می‌کند و شرایطی را برای کاهش فقر فراهم می‌کند (دادگر، ۲۰۱۹).

جدول ۱۱: نتایج مربوط به مدل کشورهای توسعه‌یافته

معادله توسعه انسانی LHDI			معادله ثبات سیاسی LPS		
ضریب	احتمال پذیرش	نام متغیر	ضریب	احتمال پذیرش	نام متغیر
-۲.۳۳۹۴	۰.۰۰۰۰	C	۱.۳۱۹۴	۰.۲۶۶۸	C
۰.۷۵۷۲۰	۰.۰۰۷۲	LEDU	-۰.۰۰۱۳	۰.۰۰۶۹	LUE
۰.۱۷۹۹۵	۰.۰۰۳۰	LHEAL	-۰.۰۰۱۰	۰.۰۰۳۶	INF
۰.۱۰۱۱۳	۰.۰۰۰۰	LLEI	۰.۰۴۳۶	۰.۰۲۲۶	LHDI
۰.۱۶۸۵۲	۰.۰۰۰۰	LMYS	۰.۰۰۳۲	۰.۰۰۳۰	LINV
۰.۷۵۰۳۶	۰.۰۰۰۳	LPS	۰.۱۹۰۴	۰.۰۰۰۰	DEM
۰.۰۴۵۳۴	۰.۰۰۰۰	LGDPP	۰.۰۱۴۲۳	۰.۰۴۸۳	LDC
-۰.۰۶۹۷۰	۰.۰۳۵۹	LGINI	$R^2=۰.۴۱$		
$R^2=۰.۵۶$					

منبع: یافته‌های پژوهش

ثبات سیاسی در این پژوهش تابعی از بیکاری، تورم، خالص سرمایه‌گذاری، دموکراسی، هزینه‌های دفاعی دولت و شاخص توسعه انسانی می‌باشد. تورم و بیکاری دو عامل تعیین‌کننده سطح زندگی مردم هستند. افزایش هرکدام از این دو منجر به کاهش ثبات سیاسی در یک جامعه می‌شود. برآورد مدل تجربی این مقاله برای کشورهای توسعه‌یافته، این را تایید می‌کند. در ضمن ثبات

سیاسی بر انگیزه مردم در راستای سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارد. بی‌ثباتی سیاسی منجر به افزایش نااطمینانی و تهدید حقوق مالکیت می‌شود که به دنبال آن سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. سرمایه‌گذاری و ثبات سیاسی رابطه مستقیم و معنی‌داری دارند. دموکراسی اقتصادی یکی دیگر از متغیرهای موثر بر ثبات سیاسی است. وجود رابطه مثبت بین این دو متغیر معنی همسویی دموکراسی با ثبات سیاسی می‌باشد. جدول (۱۲) نتایج برآورد مدل کشورهای عضو منا را نشان می‌دهد.

جدول ۱۲: نتایج مربوط به مدل کشورهای منا

معادله توسعه انسانی LHDI			معادله ثبات سیاسی LPS		
ضریب	احتمال پذیرش	نام متغیر	ضریب	احتمال پذیرش	نام متغیر
-۲۹.۲۳۴۳	۰.۰۳۶۶	C	-۲۸.۹۲۳	۰.۰۱۰۱	C
۴.۲۱۳۲	۰.۰۱۰۰	LEDU	۰.۷۸۱۷۷	۰.۰۰۱۶۹	LDC
۲.۴۲۶۵	۰.۰۴۰۰	LHEAL	-۰.۰۳۵۸	۰.۰۳۰۴	LUE
۰.۷۷۱۲	۰.۰۰۰۰	LEI	-۰.۰۰۸۹	۰.۰۰۰۰	INF
۰.۲۴۳۷	۰.۰۰۰۰	LMYS	۰.۱۰۰۶	۰.۰۱۷۳	LHDI
۰.۰۳۷۴	۰.۰۰۰۰	LGDPP	۱,۳۲۹۰	۰.۰۰۰۸	LINV
-۰.۰۰۹۱	۰.۲۷۰۶	LPS	۰.۰۱۱۶	۰.۰۰۱۶	DEM
۰.۰۶۰۱	۰.۰۰۸۵	LGINI	$R^2=۰.۵۲$		
-۰.۰۹۸۰	۰.۰۰۰۴	DUM ^{۹۱۷}			
$R^2=۰.۹۴$					

منبع: یافته‌های پژوهش

برای کشورهای منا معادله توسعه انسانی تابعی از متغیرهای هزینه دولت در بخش آموزش و بهداشت، شاخص کیفیت زندگی، متوسط سال‌های تحصیل، ثبات سیاسی - اجتماعی و متغیر ضریب جینی است. متغیر ثبات سیاسی که در سیستم معادلات در الگوی دوم این مقاله متغیر وابسته است، در الگوی اول متغیر مستقل است که این نشان‌گر دوطرفه بودن تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بین متغیر ثبات سیاسی با شاخص توسعه انسانی است. برای کشورهای منا متغیر ثبات سیاسی در توسعه انسانی معنی‌دار نشده است که دلیل آن را می‌توان چنین توضیح داد: اول ساختار سیاسی کشورها و ناکارآمدی آن‌ها و ناآرامی‌های منطقه منا و هزینه‌های سنگین و ناکارآمد بخش عمومی در این رابطه است. دوم مشکلات زیر ساختی این کشورها است زیرا دشواری‌های زیر ساختی فنی، فیزیکی، حقوقی و نهادی در این کشورها جدی و وسیع است. همچنین انواع نااطمینانی‌ها در داده‌ها و ... نیز در شکل‌گیری ضریب خاص دموکراسی و پیوند آن با ثبات سیاسی در کشورهای منطقه منا موثر بوده‌اند. ثبات سیاسی برای کشورهای توسعه‌یافته تابعی از متغیرهای بیکاری، تورم،

سرمایه‌گذاری، دموکراسی، هزینه‌های دفاعی و شاخص توسعه انسانی می‌باشد. برای کشورهای منا متغیر سرمایه‌گذاری دارای رابطه مستقیم و معنی‌دار با ثبات سیاسی است.

۵- نتایج قابل ملاحظه

۱- در این مقاله با استفاده از یک سیستم معادلات ابتدا تأثیر هزینه‌های دولت در آموزش و سلامت بر روی توسعه انسانی مورد بررسی قرار گرفت که نتایج، حکایت از معنی‌داری تأثیر این متغیرها بر روی توسعه انسانی دارد. سپس تأثیر هزینه‌های دولت در توسعه انسانی بر روی ثبات سیاسی مورد آزمون قرار گرفت که در آن، توسعه انسانی با متغیرهای درآمد، ضریب جینی، کیفیت زندگی نیز ارتباط پیدا می‌کند. همچنین ثبات سیاسی تابعی از بیکاری، تورم و سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شد.

۲- یک نتیجه مهم، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری معنادار دو متغیر توسعه انسانی و ثبات سیاسی برای کشورهای توسعه یافته است. اما برای کشورهای عضو منا شاخص ثبات سیاسی در داخل مدل توسعه انسانی معنادار نشد. دلیل آن را می‌توان در انواع ناطمینانی مربوط به داده‌ها در کشورهای منا، ساختار سیاسی اجتماعی ناسازگار این کشورها و ... جستجو کرد.

۳- متغیر سرمایه‌گذاری برای هر دو گروه از کشورهای توسعه یافته و منا تأثیر مثبت و معنی‌داری بر روی ثبات سیاسی-اجتماعی را نشان داد. تأثیر تورم و بیکاری بر روی ثبات سیاسی منفی است. همچنین شاخص دموکراسی دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر روی ثبات سیاسی است.

۴- یک نتیجه‌ی مقاله این است که هزینه‌های دولت که منجر به افزایش بهبود توسعه انسانی می‌شود بر روی ثبات سیاسی تأثیر مستقیم و معنی‌دار دارد. این تأثیر در کشورهای منا به دلیل دشواری‌های ساختاری و نهادی معنادار نشد. اما متغیرهای دیگر اثرگذار بر سرمایه انسانی و ثبات سیاسی در این کشورها شامل درآمد سرانه، هزینه‌های دولت در بخش آموزش و بهداشت، شاخص کیفیت زندگی و سرمایه‌گذاری، مثبت و معنی‌دار شده‌اند.

۵- یک پیامد سیاستی این مقاله آن است که دولت‌ها می‌توانند از طریق افزایش هزینه‌های آموزش و بهداشت، بهبود دموکراسی، کاهش بیکاری، کاهش نابرابری و کاهش تورم جامعه را به ثبات مورد نظر برسانند.

References

- Acemoglu, D. & Robinson, J. A. (2000). "Why Did the West Extend the Franchise? Democracy, Inequality, and Growth in Historical Perspective". The Quarterly Journal of Economics **115**(4): 1167-1199.
- Afshari, Z. Shirinbakhsh, S. & Ebrahimi, S. (2012). "Comparative Study of Government Expenditure on Human Development". Economic Studies of Growth and Development **2**(8): 37-50.
- Aisen, A. & Veiga, F. (2010). "How does Political Instability Affect Economic Growth?". IMF Working Paper.
- Alesina, A. & Perotti, R. (1996). "Income Distribution, Political Instability, and Investment". European Economic Review **40**(6): 1203-1228.
- Alesina, A. & Rodrik, D. (1999). "Distribution, Political Conflict, and Economic Growth: A Simple Theory and Some Empirical Evidence". Political Economy, Growth, and Business Cycles 23-50.
- Alesina, A. & Wacziarg, R. (1998). "Openness, Country Size and Government". Journal of Public Economics **69**(3): 305-321.
- Alesina, A. Baqir, R. & Easterly, W. (1999). "Public Goods and Ethnic Divisions". Quarterly Journal of Economics **114**(4): 1214-1284.
- Almasi, M. Soheily, K. & Spahbangharebaba, A. (2011). "Investigating the Impact of Investment in Education on Economic Growth in Iran". Macro-Economic Research **6**(11): 13-34
- Ashgarpoor, H. Ahmadiyan, K. & Moniei, O. (2013). "The Impact of Destabilization on Economic Growth in Iran". Economic Policies **21**(68): 175-194.
- Baldacci, E. & Guin-Siu, M. & De Mello, L. (2003). "More on the Effectiveness of Public Spending on Health Care and Education". Journal of International Development **15**(6): 709-725.
- Baltagi, B. & Deng, Y. (2014). "EC3SLS Estimator for a Simultaneous System of Spatial Autoregressive Equations with Random Effects". Econometric Reviews **34**(6): 659-694.
- Barro, R. J. (2002). "Inequality and Growth in a Panel of Countries". Journal of Economic Growth **5**(1): 5-32.
- Basakha, M. Sabaghkermani, M. & Yavari, K. (2011). "The Role of Health and Education Expenditures in Improving Human Capital Index". Management and Health **14**(45): 11-26.
- Becker, G. (1964). *Human Capital a Theoretical and Empirical Analysis*, Chicago University Press.
- Cadil, J. Ludmila, P. & Dagmar, B. (2014). "Human Capital Economic Growth". Economics and Finance **12**: 85-92.
- Central Bank of Iran (2021). *Macro-Office Report*, Tehran, Central Bank Publishers.
- Cohen, D. & Soto, M. (2007). "Growth and Human Capital: Good Data, Good Results". Journal of Economic Growth **12**: 51-76.

- Dadgar, Y. & Mahmoodvand, H. (2021). "Investigating the Inequality and Social Unrest in Iran and Selected Countries". Journal of Studies and Economic Policy (Forth Coming).
- Dadgar, Y. & Nazari, R. (2011). "Welfare Analysis of Subsidy Policies on Iranian Economy". Journal Of Social Welfare **11**(42): 337-380
- Dadgar, Y. (2008). "Political Economy a Powerful Instrument for Analyzing and Policy Making in Different Area in 21 Century". Comparative Economics **1**(9): 47-70.
- Dadgar, Y. (2019). "Economics and Politics: Editorial Note". International Journal of Economics and Politics **1**(1): 1-9.
- Davis, A. (2009). "Human Development and the Optimal Size of Government". Journal of Socio- Economic **38**: 326-330.
- Dornbusch, R. & Edwards. S. (1991). *The Macroeconomics of Populism in Latin America*, National Bureau of Economic Research.
- Dunning, T. (2005). "Resource Dependence, Economic Performance, and Political Stability". Journal of Conflict Resolution **49**(4): 451-482.
- Easterly, W. & Levine, R. (1997). "Africa's Growth Tragedy: Policies and Ethnic Divisions" The Quarterly Journal of Economics **112**(4): 1203-5.
- Easterly, W. & Levine, R. (1997). "Africa's Growth Tragedy: Policies and Ethnic Divisions". The Quarterly Journal of Economics **112**(4): 1203-1250.
- Erikson, D. (2011). *Rational Choice Theory*, ASIN, Publishers.
- Faragi Dizaji, S. F. Farzanegan, M. R. & Naghavi, A. (2016). "Political Institutions and Government Spending Behavior: Theory and Evidence from Iran". International Tax and Public Finance **23**: 522-549.
- Farahbakhsh, A. & Nili, M. (1998). "Relationship of Economic Growth and Income Distribution, Proceedings". The Journal of Planning and Budgeting 3-50.
- Farajirad, A. & Hashemi, S. (2016). "Factors of Political Instability In Persian Gulf". Journal of International Relations **1**(21): 267-293.
- Feng, Yi. (1997). "Democracy, Political Stability and Economic Growth". British Journal of Political Science **27**(3): 391-418.
- Fotros, M. & Torkamani, E. (2012). "Adjusted Human Development and Economic Growth Stability". Journal of Economic Growth and Development **2**(7): 52-92.
- Helco, H. and Wilsky, A. (1981). *The Private Government of Public Money*, London, Macmillan.
- Imran, M. Bano, S. Azeem, M. Mehmood, Y. & Ali, A. (2012). "Relationship between Human Capital and Economic Growth". Journal of Agriculture & Social Sciences **8**(4): 135-138.
- Jafarisamimi, A. Babazadeh, M. & Akbariyan, M. (2007). "The Relationship between Political Economic and Government Efficiency on Economic Growth in MENA". Economic Modeling **1**: 55-71.

- Jerath, D. (2020). *Structural Stability, Theory and Practice*, Wiley Publishers.
- Keefer, P. & Knack, S. (2002). "Polarization, Politics and Property Rights". Public Sector **111**: 127-154.
- Khanzadi, A. Fatahi, S. & Moradi, S. (2007). "The Impact of Health Expenditure on Economic Growth in Iran". Journal of Strategic Policies and Macro **5**(35): 49-67.
- Komijani, A. & Salatin, P. (2010). "The Impact of Governance Quality on Economic Growth on Iran and Selected Countries". Management Research **7**(20): 27-41.
- Lange, F. & Topel, R. (2006). *The Social Value of Education and Human Capital*, Chapter 08 in Handbook of the Economics of Education, **1**: 459-509.
- Larson, D. (2019). *Uncertainty, Macroeconomic Stability and Welfare State*, Routledge Publishing.
- Levy, S. and Shady, N. (2013). "Latin America's Social Policy Challenge: Education Social Insurance, Redistribution". Journal of Economic Perspectives **27**(2): 193-218.
- Lipset, S. M. (1959). "Some Social Requisites of Democracy: Economic Development and Political Legitimacy". American Political Science Review **33**(1): 69-105.
- Lucas, R. (1988). "The Mechanics of Economic Development". Monetary Economics **224**: 3-42.
- Lucas, R. (2015). "Human Capital and Growth". American Economic Review **105**(5): 58-88.
- Mankiw, N. Romer, D. & Weil, D. (1992). "A Contribution to the Empirics of Economic Growth". Journal of Economics 704-438.
- Mcnay, L. (2021). "The Politics of Welfare European". Journal of Political Theory 1-10 Doi 10. 1177147002.
- Meltzer, A. & Richards, S. (1981). "A Rational Theory for the Size of Government". Journal of Political Economy **89**(5): 914-927.
- Mohammadzadeh, Y. Daneshjafari, D. Majidi, Y. (2011). "The Impact of Institutional Quality and Human Development on Resource Cures Sustainable Growth and Development". Journal of the Economic Research **11**(4): 127-157.
- Musgrave, R. (2017). *Public Finance in Theory and Practice*, McGraw-Hill.
- Noferesti, M. (2016). *Unit Rote and Cointegration in Econometrics*, Tehran Rasa Press.
- North, D. (1991). *Institutional Change and Economic Performance*, Cambridge University Press.
- Northouse, D. (2021). *Leadership*, Sage Publishers.
- Panahi, M. (2004). "Introduction in Political Stability". Journal of Rahbord **31**: 34-42.

- Persson, T. Tabellini, G. (1994). "Is Inequality Harmful for Growth?". American Economic **84**(3): 600-621.
- Priscilla, A. & Lambert, T. (2008). "The Comparative Political Economy of Parental Leave and Child Care: Evidence from Twenty OECD Countries". Social Politics: International Studies in Gender, State & Society **15**(3): 315-344.
- Przeworski, D. (2010). *Democracy and the Limits of Self-Government*, Cambridge University Press.
- Rodrik, D. & Wacziarg, R. (2005). "Do Democratic Transitions Produce Bad Economic Outcomes?". American Economic Review **95**(2): 50-55.
- Rodrik, D. (1998). "Why do More Open Economies have Bigger Governments?". Journal of Political Economy **106**: 997-1032.
- Rostow, D. (1970). "Transition to Democracy". Comparative Politics **2**(3): 337-363.
- Rostow, D. (1979). *A World of Nations*, Brookings Institution.
- Sabaghkermani, M. & Basakha, M. (2008). "The Role of Good Governance in Improving Government Expenditure". Economic Research **86**: 109-130.
- Sadeghi, M. & Emadzadeh, M. (2004). "Analyzing the Economic Factors on Women Employment in Iran". Women Studies **2**(1): 5-22.
- Sarzaeim, A. (2015). "Institutional Quality and Composition of Government Expenditures". Journal of Plant of Budget **3**(130): 189-211.
- Schultz, T. (1961). "Investment in Human Capital". American Economic Review **51**(1): 1-17.
- Sengupta, C. (2004). "Political Social Stability". Economic Weekly **48**: 5161-5175.
- Shahkalaie, S. (2016). "The Impact of Political Stability on Economic Growth". First National Conference on Economics, Management and Accounting.
- Shelton, K. & Harold, G. (2008). "Interparental Conflict, Negative Parenting, and Children' Adjustment: Bridging Links between Parents' Depression and Children's Psychological Distress". Journal of Family Psychology **22**: 712-724.
- Son, H. (2010). "Human Capital Development". Asian Development Bank Economics WP 225.
- Spruyt, D. (1996). *The Sovereign State and Its Competitors*, Princeton University Press.
- Uddin, M. A. Ali, M. H. & Masih, M. (2017). "Political Stability and Growth". Economic Modelling **64**: 610-625.
- UN (2016). *Measuring Human Capital*, United National Publishers.
- UN (2020). *Macro Data*, UN Press.
- WB (2020). *World Bank Report on Good Governance*, World Bank Publishing.

- Yaqub, J. O. Ojapinwa, T. V. & Yusuf, R. O. (2006). "Public Health Expenditure and Health Outcome in Nigeria, The Impact of Governance". European Scientific Journal **8**(13): 108-201.
- Yong, K. (2010). *Human Development and Government Effectiveness*, Oxford University Press.

Original Research Article

The impact of welfare expenditure of the government on politico-social stability through a human development channel: Iran and selected countriesYadollah Dadgar^{1*}Hamid Eskandari²

Received: 25-06-2021

Accepted: 23-08-2021

Introduction: Political and social stability is an important component of optimum management in the public sector economy and, in turn, a key element in good governance. This key component of good governance and the basic element of optimum management of the public sector economy have a significant relationship with education and health in different societies. At the same time, education and health are fundamental elements for creating human capital and human development. Political and social stability provides a pacific environment for economic progress. This is because these elements encompass the conditions under which the law is ruling, sufficient security is prevailing in different societies, and economic activists benefit from enough freedom. As social and political stabilities are not separable, they are used interchangeably in this article, and, for brevity, they are referred to as political stability. In other words, political stability in this article means political-social stability. Not surprisingly, countries that benefit from more political and social stability do possess more economic progress. As there is a significant relationship between political and social stability on one hand and human development on the other, reinforcing human development and human capital can have an influential role in promoting political and social stability. Consequently, governments can redirect their welfare expenditures to improve health and education that eventually provide enough ground for better political and social stability. Accordingly, one main goal of this article is to investigate the impact of public expenditure in education and health on political and social stability.

Methodology: By using econometric and statistical methods, this study analyzes the factors affecting political and social stability through human development. It investigates the impact of public expenditure on welfare (especially those expenditures devoted to health and education) and political

¹. Professor of Economic, Shahid Beheshti University
Email: y_dadgar@sbu.ac.ir

². Master of Economic, Shahid Beheshti University

and social stability for selected countries. The selected countries include 34 developed countries, so-called OECD countries on one hand and 17 Middle Easten and North African countries, so-called MENA member countries. The MENA countries include Iran as well. The time period for this study is 1998 through 2020. By using a simultaneous equation system, this article explores the outcome of public expenditure in health and education on political and social stability in the mentioned countries. Moreover, and for a more realistic analysis, the other variables which influence political and social stability are addressed too. These variables include inflation rate, unemployment rate, inequality, and per capita income. Meanwhile, the role of democracy is discussed. For more scrutiny in this work, the negative correlation of investment and property rights is taken into consideration in the final analysis. Before econometric analysis, the dependency of some of the above variables on one hand and the political stability on the other are investigated statistically.

Results and Discussion: The result of the analysis in this study stresses some basic issues. It firstly, indicates that there is a positive and significant relationship between the welfare expenditures of the government, especially those dedicated to health and education, and political stability. Secondly, inflation rate, unemployment rate and inequality have negative and significant relationships with political stability. This paper presents the claims of new public sector theories versus the old public sector theories. The former claim is that the role of investing in health and education on political stability is much greater than concentrating on military power and security-oriented power to create political stability. According to the old theories of the public sector, however, the military power and concentrating on security orientations create political stability.

Conclusion: The significant relationship of the welfare expenditure of government devoted to health and education with political stability is the main finding of this research. The negative relationship of inflation and unemployment with political stability is another paramount finding of this work. By taking into consideration the first finding of this article, governments can improve health and education and create a significant amount of political stability. Also, by targeting a low inflation rate and decreasing the unemployment rate, they can promote the political and social stability. They can eventually boost the welfare of their citizens in the long run.

Keywords: Government expenditure, Human development, Politico-social stability, Income inequality, Democracy.